

## مطبوعات فردا

مجله فردا

## روزنامه‌نگاری

**ارزبایی شتاب‌زده**

### جای خالی آنها



**جامعه فردا**؛ هیچ روزنامه‌نگاری از بنر تبلیغی نمایشگاه خوشش نیامد. تصویر خانواده‌ای که شاد و خندان در حال به‌به و چه‌چه کردن درباره روزنامه هستند، نه به واقعیت‌های روز جامعه ایران شباهتی دارد و نه به آنچه به‌عنوان روزنامه‌نگاری در ایران شناخته می‌شود. قرار گرفتن این بنر در ورودی نمایشگاه امسال دو پیام رسان داشت. بر گزار کنندگان امسال نمایشگاه نتوانسته بودند غول‌های بزرگ مطبوعاتی را مجاب کنند، مثل سال‌های قبل بنرهای بسیار بزرگ تبلیغی ورودی را بخرند. پیام دوم اما اشاره به یک خلط میحث داشت؛ بعد از ۲۲ دوره برگزاری نمایشگاه، هنوز دقیقاً روشن نیست، چرا هر سال باید نمایشگاه مطبوعات برگزار شود.

فقط بنر نمایشگاه نبود که در سایز بسیار بزرگ طراحی و چاپ شده بود، همه اشیا و لوازم حاضر در نمایشگاه نیز اغراق آمیز شده بودند و همین ادعاهای بزرگ، دامن مطبوعاتی‌ها را هم گرفت و گروهی از رسانه‌ها پیش از شروع به کار نمایشگاه، با انتشار بیانیه‌ای، آن را تحریم کردند. استدلال آنها به زبان ساده این بود که تا حقوق حقه خود را از بابت آگهی‌های دولتی و یارانه‌ای که باز هم دولتی است دریافت نکنند، از شرکت در چنین مجامعی سر باز می‌زنند. درست است که از منتهی‌علیه راست تا آن سوی چپ، بسیاری از مطبوعات مهم و اثرگذار کشور حاضر نشدند در چنین نمایشگاهی که عموماً آن را فرمایشی می‌دانند، شرکت کنند؛ اما نباید فراموش کرد که آنها تنها فر صت‌شان برای دیدار رو رو در مخاطبان خود را از دست دادند؛ فرصتی که یکی از انگیزه‌ها، رو ترش کنند بر گزار ی نمایشگاه مطبوعات بود، دود شد و به هوارفت تا روزنامه‌نگاران نشان دهند، می‌توانند مثل فرزندان یک خانواده از اینکه پدرشان پول توجیبی ماهیانه آنها را نپزداخته، رو ترش کنند و در اتاق راه‌رو روی خود بنیندند. مطبوعات ایران که در ۳۰ سال اخیر برای یافتن مخاطبان در شهرهای دور و نزدیک ایران، سینه چاک داده، حالا گویی برایش مهم نیست که می‌تواند دوباره دستان آنها را در فرصت اندک نمایشگاه مطبوعات بفشارد و قول یک سال سنگ صوری آنها را بدهد یانه.

سابقه مطبوعات در ایران نشان می‌دهد که جز چشم داشتن به دک، نه می‌توان به پشتیبانی حزب‌ها و تفکرات سیاسی بدست پنه‌نه می‌توان چشم به راه یارانه‌ای بود که معاونت مطبوعاتی با هزار اما و اگر وارز می‌کند. این پول که برخی از منتقدان به آن سهم مهلک مطبوعات ایران می‌گویند، آرام آرام روزنامه‌ها را ز می‌منتقدانه و مردم مدار خود جدا کرده و آرام آرام آنها را اگر نه به ویرترین محض دولت‌ها، بلکه به تابلوهای بی‌بخاری بدل کرده که نه جریانساز هستند و نه می‌توانند آتیه‌ساز ایران باشند. به همین دلیل که خروجی نمایشگاه بر بود از جوانات دور از پایتخت و عاشقان مطبوعات که سمت‌خالی از غرفه‌های تو در توی مصلایبیرون می‌آمدند و نتوانسته بودند با روزنامه‌نگار هم‌دعلاقه خود یا در غرفه مجله‌ای که اشتراکش را داشتند، حتی عکس یادگاری بگیرند.

شاید به‌همین دلیل بود که نمایشگاه بر حاشیه‌تر از سال‌های قبل برگزار شد، وقتی که خالی بودن غرفه‌های چشم می‌زد، روزنامه‌نگاران آرام به ویرترین شاهن کشیدین برای همدیگر و کشیدن دست مسئولان برای باز دید از غرفه‌ها مشغول شدند. معرکه‌ای برپا شد و معر که گبران آمدند تا آدم آهنی‌های غول پیکر یا اسباب مراسم آیینی مهم شبیه‌خوانی، دور را گرم کنند و قضاوت میزان گرم‌ما، با مخاطبان.ش. در چنین شرایطی نه کسی از دعوائی میان انجمن عکاسان مطبوعاتی با برگزار کنندگان نمایشگاه چیزی فهمید و نه کسی برایش مهم بود که مطبوعاتی‌ها بدون تحقق کمترین بخش مطالبات خود، وارد هشتمین سال پلمب انجمن صنفی خود شدند؛ اما با این وجود سوراخه به استقبال معتزضایی رفتند که معلول بودند، سهامدار پدیده شان‌زدین بودند و یا مال باخته مؤسسات مالی و اعتباری و جز رسانه‌ها هیچ پناهگاه دیگری در جامعه نمی‌دیدند.

دغدغه

»

یادداشت اختصاصی

• احسان اشرفی •

روزنامه نگار

### یادداشت اختصاصی

• احسان اشرفی •

روزنامه نگار

این مطلب در پی بررسی امکان اصلاح رابطه بین نهاد مطبوعات و نهاد ناظر بر مطبوعات است. فرض این است که رابطه فوق ناسالم و برای یک جامعه متمایل به زندگی در فضای باز غیر طبیعی است و باید مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد.
نگاهی به ساختار سازمانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وظایف اجزای آن، نشان می‌دهد که همه تشکیلات این وزارتخانه در جهت نیل به یک هدف سه‌وجهی طراحی شده‌اند: حمایت، هدایت و نظارت. این ماموریت به‌همین صراحت در بند دوم شرح وظایف معاونت مطبوعاتی این وزارتخانه آمده است. به‌استثنای برخی معاونت‌ها که وظایف مشخص تبلیغات مذهبی به‌عهده آنها گذاشته شده

### آقای رئیس‌جمهور نظام جامع حرفه ما این است؛

# میراث احمد

پیش‌نویس سند حقوق و اخلاق حرفه‌ای

روزنامه‌نگاران ایران پس از ۱۰ سال منتشر می‌شود

نیمه‌اول دهه ۸۰، گروهی از روزنامه‌نگاران ایران کوشش کردند، منشور یا سندی در زمینه حقوق و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران ایرانی فراهم آورند. این کوشش‌ها که به‌شرف‌ش انجمن صنفی و به‌سرستی مر حوم‌احمد بورقانی از روزنامه‌نگاران برجسته کشور و توسط چندتن از اهالی مطبوعات ایران انجام می‌گرفت با حوادثی که به تعطیلی اجباری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران انجامید متوقف شد و پیش‌نویس تهیه شده در عرصه نظر و نقد همکاران مطبوعاتی قرار نگرفت.

این روزها که دولت در حال تدارک لایحه‌ای مربوط به فعالیت‌های روزنامه‌نگاری در کشور است، بد نیست از محتوای این سند که حاوی تعاریفی از جایگاه، وظایف و تعهدات جامعه روزنامه‌نگاران کشور است مطلع شود. واقعیت آن است که به‌نظر می‌رسد بخش اعظم روزنامه‌نگاران کشور و نه کارمندان برخی موسسات مطبوعاتی وابسته به دولت و سازمان‌های تحت‌کنترل آن با آنچه در دولت آقای روحانی در حال فراوری است سازگاری نخواهند داشت و بهتر است منشیان دستگاه‌های دولتی با استفاده از تجربه و شناخت قبلی خود از آرای بیکره مطبوعاتی کشور و به‌ویژه سند حاضر، بر زحمت جامعه چیزی نیفزایند.

«جامعه فردا» با اطمینان به اینکه همکاران شرافتمند جامع مطبوعاتی از حقوق خود به طرق مناسب دفاع خواهند کرد، اقدام به انتشار این سند می‌کند و واضح است، از آنجا که این سند پیش‌نویس و در انتظار بحث و حک و اصلاح بوده، می‌تواند توسط همکاران مورد نقد و حک و اصلاح قرار گیرد. هر چند کانونی که بتوان این کار را در آن به انجام رساند، متأسفانه هنوز وجود ندارد.

## چرا رسانه‌ها نباید از وزارت ارشاد سوسپید بگیرند؟

(مانند بخش قرآن و عترت) و فقط بخش هدایتی از هدف سه‌وجهی را به‌پیش می‌برند، کار کرد تقریباً همه معاونت‌ها در دو وجه خلاصه می‌شود: اول، ارائه کمک و سوسپید و دوم کنترل محتوا و معاونت فعالیت که ترجمان ساده آن کنترل رسانه‌ها از طریق اهرم پول است.

کارکردهای فوق به‌صورت مشخص عبارت‌اند از:

• کنترل مجوزها؛ هیچ‌نوع از فعالیت رسانه‌ای بدون مجوز معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد امکان ندارد. صدور این مجوزها مرحله پیچیده و بسیار طولاتی دارد و سازوکار آنها به‌صورتی آشکار ماهیت کنترل سیاسی دارد. غیر از استعمال سوابق از قوه قضائیه که تحت‌عنوان اطلاع از سوابق محکومیت متقاضیان مجوز ایجاد رانه صورت می‌گیرد، استعمال از وزارت اطلاعات نیز وجود دارد که در واقع کسب‌نظر دستگاه امنیتی درباره صلاحیت متقاضیان ایجاد رسانه است. مرجع سوم و اصلی صدور مجوز، سازوکار درونی وزارتخانه یعنی دبیر‌خانه هیأت‌نظارت بر مطبوعات است که شائبه عملکرد سیاسی آن همواره وجود داشته است. البته در اینجا درباره گرایش این هیأت

اطلاعات به حدود یک‌ششم تنزل پیدا کرده بود، درحالی‌که روزنامه هم‌تراز آن در سوسپید غلت می‌زد.

• ماهیت فعالیت سایر بخش‌های وزارت ارشاد را می‌توان در یکی از دو حوزه بالا تعریف و به‌اصطلاح کاتاگوریز کرد و به یکی از سه‌وجه یادشده در شرح وظایف معاونت مطبوعاتی (هدایت، حمایت، نظارت) نسبت داد. به‌عبارت ساده و در یک نگاه کلی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صرفاً از دو قسمت تشکیل شده است: یک بخش به رسانه‌ها کمک می‌کند و به آنها رشوه می‌دهد و بخش دیگر، آنها را کنترل و در صورت لزوم تنبیه می‌کند.

اگر بتوان توصیف‌های فوق را دارای عباری از واقعیت دانست، آنگاه پذیرش ادعای صدر این نوشته درباره ناسالم بودن رابطه رسانه‌ها و نهاد ناظر آنها دشوار نیست. در این صورت گام بعدی آن است که ببینیم برای تغییر دادن این رابطه چه می‌توان کرد. گام اول در این مسیر مشخص کردن منشأ شکل‌گیری این رابطه است. مدعای این مقاله این است که باید منشأ را در دولت رانتیر جست‌وجو کرد و معمولاً هم

استبدادها و هم رشوه‌پرداز از طریق توزیع رانت است و به‌چپ و راست بودن دولت‌ها نیز بستگی ندارد. این امری ماهوی و زاده شکل‌گیری دولت رانتیر است.

دولت‌ها را نیز نمی‌توان از رابطه فوق برحذر داشت، استفاده از فرمول دوگانه چماق و هویج است. درست به‌همان نحو که دولت رانتیر و بی‌نیاز از درآمد مالیاتی می‌تواند نیازی به پاس‌خوبی به جامعه حس نکند و برای همه تعیین تکلیف کند، دولت رشوه‌پرداز به رسانه‌ها می‌تواند برای آنها خطمشی و خط قرمز تعریف کند. در حالت مخالف وقتی دست دولت‌ها از درآمد راتتی خالی و دست آنها برای درآمد به‌سوی جامعه‌دراز است، پاس‌خگو شدن آنها به‌بایدی تاریخی تبدیل می‌شود و ناتوانی آنها در پرداخت عامل کنترل (اعطای کمک مطبوعاتی) اهرم فشار آنها بر رسانه‌ها را سست و کم‌اثر می‌کند.

تاوقتی چنین موقعیتی به‌صورت پایا و ماندگار پدید نیامده است، تنها راه اصلاح رابطه مطبوعات با نهاد ناظر آنها نشان دادن ناکارایی ارله کمک مطبوعاتی در توسعه رسانه‌ها و تشویق مطبوعات به خودداری از دریافت این سهم و مبارزه مبتنی بر آگامسازی جامعه درباره آثار سوء دریافت کمک از دولت در انجام وظایف مطبوعاتی است.



## روزنامه‌نگاری

احمد بورقانی فراهانی، احمد بورقانی یا احمد آقا. چه فرقی می‌کند؟

با هر اسمی که او را بخوانیم، تکراری نیست. بورقانی روزنامه‌نگار و سیاستمدار اصلاح‌طلب، سخنگوی سننات خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل از سال ۶۸ تا سال ۷۶ تا بهمن ۷۷، نماینده مجلس ششم و عضو هیأت‌رئیسسه خبرگزاری جمهوری اسلامی از ۷۶ تا ۸۴ و شورای نظارت بر صدا و س

اثر سکنه قبلی در گذشت، اما شمالیی که از خود به جا گذاشت شمالیابیماری جنگید، اما دست از نوشتن و آرمان‌های رسانه‌ای خود برند خلاء حضور او در فضای مطبوعات کشور به حدی بود که با رفتن اح کشور رنگ و بویی سیاسی به خود گرفتند و به فراخور شرایط، از نق نیاز ما را به این شهید قلم بیشتر و بیشتر می‌کنند، طرحی‌ست که او حفظ و صیانت جایگاه رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران همچنان مجاهدان را

فعالیت رسانه‌های کشور خواهند گشود و با صیانت از حقوق صنفی خود دوام و بقای روزنامه‌نگاری ایرانی را مقدر و میسور می‌کنند.

**تعریف‌ها و مفاهیم**

۱- روزنامه‌نگار به همه کسانی گفته می‌شود که:

الف، به‌صورت تمام‌وقت یا پاره‌وقت، با قرارداد کتبی یا شفاهی، در یکی از مشاغل روزنامه‌نگاری، با یک موسسه رسانه‌ای همکاری داشته و در مقابل کار خود مزد دریافت می‌کند.

ب، به‌صورت آزاد و بدون داشتن قرارداد، بسا یک یا چند موسسه رسانه‌ای همکاری داشته و از طریق آنها به‌صورت مکرر و مداوم مطالبی در قالب نوشته یا تصویر منتشر کند، اعم از آنکه در مقابل کار خود مزدی دریافت کند یا نکند.

تبرسه- قطع همکاری روزنامه‌نگار با موسسه یا موسسات رسانه‌ای به‌دلایل ناخواسته، از قبیل بازداشت روزنامه‌نگار (به هر دلیل)، بیماری، تعطیل یا توقیف موسسه رسانه‌ای موجب سلب عنوان روزنامه‌نگار از وی نمی‌شود.

۲- موسسه رسانه‌ای به سازمانی گفته می‌شود که در قالب شخصیت حقوقی یا غیر از آن، در گستره بین‌المللی، ملی یا محلی اقدام به انتشار نشریات ادواری یا سایر رسانه‌ها از قبیل رادیو، تلویزیون و پایگاه‌های خبری اینترنتی (اعم از پایگاه‌های خبری خبرگزاری‌ها و غیر آن) می‌کند.

۳- مشاغل روزنامه‌نگاری شامل آن دسته از مشاغل و سمت‌های موجود در موسسه‌های رسانه‌ای یا فعالیت‌های روزنامه‌نگاری است که به امر تولید مطلب، اعم از نوشتاری یا تصویری یا مدیریت تولید مطلب می‌پردازد. خبرنگاری، گزارشگری، یادداشت‌نویسی، عکاسی خبری، ترسیم کاریکاتور، طراحی، فیلمبرداری خبری، مسئولیت صفحه، دبیری سروسب، سردبیری و مانند اینها از جمله مشاغل روزنامه‌نگاری است.

۴- آزادی روزنامه‌نگاری عبارت است از توانایی و امکان واقعی و بالفعل روزنامه‌نگار در دسترسی به اخبار و اطلاعات، تدوین و تنظیم و ثبت نوشتاری یا تصویری آنها و انتشارشان از طریق رسانه‌ها اعم از نشریات باغذی، محیط دیجیتالی، خبرگزاری‌ها، رادیو و تلویزیون.

۵- استقلال روزنامه‌نگاری عبارت است از عدم‌الزام و اجبار روزنامه‌نگار به پیروی از دستورات غیرقانونی یا مغایر شئون حرفه‌ای و اصول جریان آزاد اطلاعات از سوی مراکز رسمی و غیررسمی قدرت.

امروز روزنامه‌نگاران ایران از چنان تجربه غنی و پرمایه‌ای برخوردارند که خود قادرند از اصول و اخلاق روزنامه‌نگاری سخن گفته و قواعد صنفی‌شان را پراساس خصوصیات جامعه ایران و تجربیات روزنامه‌نگاری ایرانی کشف و ثبت کنند و با تلاش مشترک خود و در تعامل با سازمان‌های رسمی و موسسات رسانه‌ای آزادی، امنیت و استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را در سطح کشور تامین و تضمین کنند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در اصل ۲۴ که مقرر می‌دارد «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد»، اصل را بر آزادی گذاشته و در این مورد خاص آزادی مطبوعات را کاملاً به‌رسمیت شناخته است. باید افزود که بدون تحقق سه اصل پایه آزادی، استقلال و امنیت روزنامه‌نگاران امکان تحقق آزادی مطبوعات فراهم نخواهد آمد.

بر این اساس و به حکم قانون اساسی، دولت موظف است شرایط تحقق آزادی، امنیت و استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و بالمال آزادی مطبوعات را تامین و تضمین کند. جامعه روزنامه‌نگاری ایران نیز باید بر همین اساس و با شناسایی هویت جمعی و منافع مشترک صنفی خود برای تحقق بخشیدن به سه اصل مذکور بکوشد.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران در پاسخ به همین ضرورت پیش‌نویس منشور/اسند حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران ایران را که کوشیده شده است مبتنی بر اصول پذیرفته‌شده جهانی و منطق و با ویژگی‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه ایران و مقتضیات فعالیت مطبوعاتی و نیازهای روزنامه‌نگاری در ایران امروز تهیه شود، به جامعه روزنامه‌نگاری کشور پیشنهاد می‌کند.

این سند امنشور بر مبنای تجربیاتی که در جریان فعالیت روزنامه‌نگاران در ایران امروز به‌دست آمده تدوین شده است و بدیهی است که مهم‌ترین ضامن اجرایی آن خود روزنامه‌نگاران و اراده جمعی جامعه روزنامه‌نگاری فعال در تمامی رسانه‌های کشور است. تردیدی نیست که همه روزنامه‌نگاران ایران که در انواع رسانه‌ها، به‌صورت استخدایمی یا آزاد و در سراسر کشور، در سطح ملی یا محلی، فعالیت می‌کنند، همان‌گونه که با تلاش‌های سخت و بعضاً پر مخاطره خود کمیت و کیفیت روزنامه‌نگاری کشور را ارتقا بخشیده‌اند، با اتکا به هویت مشترک صنفی و با تشریک مساعی خود آفق‌های روشن‌تری را پیش‌روی

تاریخ پرفرازو فرود روزنامه‌نگاری در ایران سرشار است از تلاش‌های گسترده و گاه بر تعقب روزنامه‌نگاران ایرانی برای رسیدن به سه خواست اساسی حرفه‌ای خود: آزادی روزنامه‌نگاری، استقلال روزنامه‌نگاری و امنیت روزنامه‌نگاری که اغلب هم دچار تعزات و تعدیات متعدد بوده است. در کمتر به‌راهی از تاریخ ۱۷۰ ساله مطبوعات ایران می‌توان دوره‌ای را یافت که ارباب قدرت و دولت حرمت آزادی، استقلال و امنیت روزنامه‌نگاران را تضمین و تامین کرده باشد. روزنامه‌نگاران ایرانی‌ای که در راه انجام وظیفه حرفه‌ای خود جان باختند گواهان چنین مدعایی‌اند.

از نسوی دیگر، برآورده شدن خواست آزادی، استقلال و امنیت روزنامه‌نگاری در گرو رشد و توسعه کمی و کیفی روزنامه‌نگاری است که تنها با اتکا به تجربه مشترک جامعه روزنامه‌نگاری ایران و با روندی آرام و تدریجی تحقق خواهد یافت. متأسفانه در تاریخ مطبوعات ایران دور‌های آزادی مطبوعات چندان کوتاه بوده است که عملاً فرصتی برای رشد و توسعه مطبوعات و شکل‌گیری تجربه مشترک و هویت واحد صنفی باقی نمی‌گذاشته است.

با این اوصاف، روندی که در طول نزدیک به سه دهه اخیر در قلمرو فعالیت‌های مطبوعاتی در ایران طی شده است، هر چند با افت‌وخیزها و موانع و مرارت‌های بسیار توأم بوده، در مجموع در جهت رشد و توسعه فعالیت‌های روزنامه‌نگاری کاغذی، دیجیتالی، رادیویی و تلویزیونی در حرکت است و اغراق نیست اگر بگوییم در تاریخ مطبوعات ایران، کم‌نظیر بوده است.

امروز در سایه تلاش مستمر روزنامه‌نگاران ایرانی، شخصیت حرفه‌ای روزنامه‌نگار و موقعیت اجتماعی وی به‌رسمیت شناخته شده است. تجربه مشترک صنفی کم‌وبیش شکل گرفته، به‌گونه‌ای که روزنامه‌نگار ایرانی اکنون می‌تواند هیویت حرفه‌ای خود را به‌صورت مستقل به نمایش بگذارد. پیش‌روترین و مستقل‌ترین اعضای جامعه روزنامه‌نگاران ایران به بسیاری از موازین اخلاق حرفه‌ای، حقوق حرفه‌ای و مسئولیت حرفه‌ای که حاصل تجربه مشترک همه روزنامه‌نگاران است، پایبنداند و در رعایت آن دقت و حساسیت کافی دارند. این مهم رخ نداده است مگر با تشریک مساعی همه روزنامه‌نگارانی که در سراسر کشور، در میدان‌های مختلف خبری و فارغ از گرایش‌های سیاسی یا فکری، هر یک به سهم خود، در رسانه‌ای قلم زده‌اند و قلمرو روزنامه‌نگاری را گسترده‌تر کرده‌اند.

نگاه ما

»